

نقش باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه

مریم کیان^{۱*} و رقیه قادری^۲

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه بود. از روش توصیفی - همبستگی استفاده شد. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پایه یازدهم دوره متوسطه شهرستان زرین شهر (۵۸۸ نفر) بودند که تعداد ۲۴۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی، انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه باورهای معرفت‌شناختی و پرسشنامه هوش معنوی بود که تامین‌روایی صوری و محتوایی آن‌ها از طریق نظرات شش نفر از استادان علوم تربیتی دانشگاه یزد و پایایی آن‌ها نیز از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب، ۰/۸۲ و ۰/۸۶ به دست آمد. معدل تحصیلی دانش‌آموزان برای موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شد. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و نیز تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد؛ بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی شامل؛ قطعیت دانش، ساده بودن دانش، توانایی ذاتی در یادگیری و همچنین درک و ارتباط با سرچشمه هستی است. بر اساس یافته‌ها، باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نقش دارند و این عوامل، به ویژه در موقعیت‌های آموزشی، باید مد نظر قرار گیرند.

نشریه علمی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۲۹
بهار و تابستان ۱۳۹۸
صص: ۶۵-۷۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol. 16, No. 1, Serial 29

Spring & Summer
2019

pp.: 65-74

کلیدواژه‌ها: موفقیت تحصیلی، باورهای معرفت‌شناختی، هوش معنوی، دانش‌آموز، دوره تحصیلی متوسطه.

*Email: kian2011@yazd.ac.ir

مقدمه

پژوهش حاضر تلاش دارد تا نقش «باورهای معرفت‌شناختی»^۱ و «هوش معنوی»^۲ را در پیش بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه بررسی کند.

یکی از معیارهای کارایی هر نظام آموزشی میزان موفقیت تحصیلی است. موفقیت به آن درجه از کارایی فرد با توجه به توانایی هایش تاکید دارد که بتواند در پیشرفت های او نوعی رضایت ایجاد کند [۱]. در این راستا، از جمله عوامل موثر در موفقیت تحصیلی می توان به عوامل فردی، اجتماعی، تحصیلی، آموزشی و روان شناختی اشاره کرد. شناخت این عوامل به برنامه ریزان کمک می کند تا عوامل مثبت را بهبود داده و عواملی منفی را کاهش دهند [۲]. در این میان نقش (باورهای معرفت‌شناختی) و (هوش معنوی) از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در سال های اخیر، روان شناسان و متخصصان آموزش و پرورش درباره باورهای معرفت‌شناختی و عقاید یادگیرندگان نسبت به علم، دانش، یادگیری توجه نشان داده اند [۳]. در واقع یکی از بحث های مهم در فرایند یادگیری، باورهای معرفت‌شناختی افراد است که این باورها به فهم افراد، چگونگی به دست آوردن، اعتبار از دانش و برداشت افراد از توانایی و سرعت برای به دست آوردن دانش مربوط است [۴] معرفت‌شناختی حوزه ای از فلسفه است که به ماهیت و چگونگی شکل گیری دانش انسان می پردازد. اصطلاح معرفت‌شناختی نخستین بار توسط «پیاز» در سال ۱۹۵۰ به منظور تبیین فرایند رشد شناختی به کار گرفته شد [۵].

اما پیشینه مطالعات باورهای معرفت‌شناختی به «پری» در سال ۱۹۷۰ برمی گردد. وی تغییر در تفکر افراد را نوعی تحول در تفسیر افراد از دنیای پیرامونشان می داند. پری در دهه ۱۹۶۰ در مطالعه درباره تحول باورهای معرفت‌شناختی یادگیرندگان، نشان داد که تصور آنها در شروع تحصیلات عالی مبتنی بر باور به سادگی، قطعیت و مرجعیت دانش است. اما اغلب دانشجویان سال های آخر تحصیلی معتقد بودند که دانش موقتی و مبتنی بر برهان است [۶ و ۷].

یکی از پیشگامانی که مدلی نظاممند برای مطالعه باورهای معرفت‌شناختی فردی پیشنهاد کرد و نسبت به مدل های دیگر، منسجم تر بود، مدل باورهای معرفت‌شناختی «شومر» است که متشکل از پنج بعد است، از جمله: ساختار دانش (از قطعات منفصل تا مفاهیم مرتبط

و منسجم)، ثبات دانش (از قطعی تا قابل توسعه و نقد پذیر) منبع دانش (از آرا پیشینیان و متخصصان تا استدلال و شواهد علمی)، سرعت یادگیری (سریع و ناگهانی تا تدریجی و تجمعی) و توانایی یادگیری (از ثابت و تغییر ناپذیر تا قابل رشد و پیشرفت) هستند. در واقع در مدل شومر، باورهای معرفت‌شناختی به طور کلی مورد بررسی قرار می گرفت و اختصاص یافتگی به قلمروهای ویژه دانش مد نظر نبود [۸] و [۹]. شومر معتقد بود که باورهای معرفت‌شناختی نظامی کم و بیش مستقل از باورها هستند. فرض او این بود که باورهای معرفت‌شناختی ممکن است اثرات متفاوتی بر یادگیری دانسته باشد [۱۰].

از سوی دیگر شواهد پژوهشی نشان می دهد که باورهای معرفت‌شناختی بر میزان مشارکت فعال در یادگیری، مقاومت و پشتکار، درک مطلب و حل مسائل با ساختار ناقص تاثیر گذارند. بنابراین تاثیر باورهای معرفت‌شناختی در موفقیت تحصیلی و یادگیری مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفته است [۱۱].

همچنین درباره هوش معنوی و نقش آن در آموزش و یادگیری نظرات مختلفی مطرح شده است. هوش معنوی یکی از مولفه های موثر در سلامت روان به حساب می آید. این مفهوم در توجه روان شناسان حوزه معنویت قرار گرفته است. هوش معنوی، سازه های هوش و معنویت را در یک سازه جدید ترکیب می کند [۱۲] هوش به عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم توسط «آلفرد بینه» بیان شد. وی همچنین آزمونی را برای اندازه گیری میزان بهره هوش افراد ابداع کرد. بعدها «لوییس ترمن» و «دیوید وکسلر» آزمون های جدیدتری را ساختند [۱۳]. امروزه، در دو دهه اخیر مفهوم هوش به حوزه های دیگری مانند هوش هیجانی، هوش طبیعی، هوش وجودی و هوش معنوی گسترش یافته است. هوش معنوی برای نخستین بار توسط «ایمونز» در سال ۱۹۹۹ بیان شد. وی هوش معنوی را کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به اهداف می داند [۱۴]. در واقع داشتن هوش معنوی در زندگی می تواند باعث رشد و شکوفایی انسان شود و افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بالایی نسبت به هوشیاری دارند. این افراد این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص بدهند و خصایصی نظیر بخشش و فروتنی، دلسوزی، سپاس گذاری و خرد را از خود نشان دهند [۱۵].

در مجموع می توان گفت هوش معنوی باعث می شود که ذهن و روان انسان با بستر زیر بنای وجود مرتبط شود؛

¹ epistemological beliefs

² spiritual intelligence

درباره موضوع پژوهش حاضر، مطالعاتی در خارج ایران انجام شده است. برای مثال «چان و ساچز»^۱ [۲۱] مطالعه ای در نمونه ۸۳ دانش‌آموز انجام داد و در آن نشان داده شد که آن گروه از دانش‌آموزان که باور داشتند یادگیری به معنای فهمیدن است، درس علوم را عمیق تر از دانش‌آموزانی که یادگیری را بیان مجدد واقعیت می دانستند پردازش می کردند. می توان گفت باورهای معرفت‌شناختی بر رویکرد یادگیری دانش‌آموزان می تواند اثر بگذارد. دانش‌آموزانی که دیدگاه پیچیده تری دارند با مطالب یادگیری، درگیری عمیق تری پیدا می کنند. همچنین در پژوهش دیگر [۲۲] که بر روی ۳۱۰ دانش‌آموز دبیرستانی تایوانی و ۳۰۲ دانش‌آموز دبیرستانی چینی انجام شد، نتایج نشان داد که دانش‌آموزان تایوانی به طور کلی بیشتر باور به این دارند که واقعیت های علمی اختراعی است و دانش‌آموزان چینی باور دارند که علوم در حال تغییر هستند و درک خود از علوم را به مثابه داشتن اضطراب زیاد تر در امتحان علوم می دانند. نتایج نشان داد که فرهنگ بر روی باورهای معرفت‌شناختی دانش‌آموزان تاثیر داشته است. در پژوهش دیگر [۲۳] که بر روی ۲۶۸ دانش‌آموز دختر متوسطه انجام شد به این نتیجه رسیدند که با اندازه گیری میزان معرفت‌شناختی اعتقادات و استراتژی های انگیزشی، موفقیت تحصیلی قابل پیش بینی و محاسبه است. همچنین پژوهش هایی در داخل ایران انجام شده است. از جمله عاشوری [۲۴] که مطالعه ای در نمونه ۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی انجام داد. نتایج تحلیل رگرسیون نقش واسطه ای راهبردهای شناختی و فراشناختی و هوش معنوی را در جهت گیری هدف ها ی پیشرفت و موفقیت تحصیلی تاکید کرد. همچنین هدف اجتناب از عملکرد تاثیر مستقیم و منفی بر موفقیت تحصیلی داشت ($p < 0/01$). در پژوهش دیگری از سیف و مرزوقی [۲۵]، که در نمونه ۴۷۵ دانش‌آموز سال سوم راهنمایی انجام شد، نتایج نشان داد هر چه دانش‌آموزان ساختار دانش را در حل مسائل منسجم تر و فرآیند یادگیری را تدریجی و تجمعی تر بدانند، خودکارآمدی بیشتری در حل مسائل، آزمون و کاربرد این درس تجربه می نمایند. افزون بر این، تحلیل مسیر نشان داد که خود کارآمدی قوی ترین عامل بیش بینی کننده عملکرد تحصیلی است و ابعاد باورهای معرفت‌شناختی به طور عمده از طریق خودکارآمدی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را در درس علوم تجربی بیش بینی می کنند.

به فرد کمک می کند تا واقعیت را از خطای حسی تشخیص دهد؛ این مفهوم در فرهنگ های مختلف به عنوان عشق، خردمندی، و خدمت مطرح است [۱۶]. همچنین هوش معنوی، هوشی است که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش ها را حل می کنیم، هوشی که فعالیت ها و زندگی ما را در زمینه های وسیع تر، غنی تر و معنادارتر قرار می دهد. هوشی که به ما کمک می کند تا بفهمیم کدام اقدام یا جهت معنادارتر از دیگری است [۱۷]. یعنی هوش معنوی شامل حس معنادارستن، ماموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی و درک متقابل از ارزش مان و بهتر شدن زندگی می شود [۱۸]. در واقع هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی افراد با محیط پیرامون خود شان شکل می گیرد و برای حل مشکلات و مسائلی که مربوط به معنای زندگی و ارزش هاست به کار می رود. هوش معنوی، سوال هایی مانند (من کیستم؟)، (چرا اینجا هستم؟)، (آیا در شادی و آرامش روانی مردم سهیم هستم؟) را در ذهن انسان ایجاد می کند. پس می توان گفت زمانی هوش معنوی وجود دارد که افراد می خواهند از ظرفیت ها و نتایج معنوی برای تصمیم گیری های مهم و اندیشیدن در موضوعات وجودی یا تلاش برای حل مسائل روزانه استفاده می کنند [۱۶].

به طور خلاصه، هوش معنوی کاملاً منحصر به فرد و انسانی است و از ابعاد حسی، عقلی و تاملی تشکیل شده است. همچنین تفاوت هوش معنوی با معنویت در این است که هوش معنوی برای پیش بینی عملکرد و سازگاری با توانایی های به دست آمده در فرد است اما «معنویت» ارتباط با وجود باری تعالی، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ و خم های زندگی و تنظیم شخصی بر مبنای ارتباط با وجود باری تعالی و درک حضور دائمی وجود خداوند در هستی معنادار، سازمان یافته و جهت دار الهی است [۱۶ و ۱۹].

از سوی دیگر، امروزه پژوهش هایی که در زمینه معنویت انجام می شود در رشته های متنوعی از جمله پزشکی، روان شناسی، انسان شناسی، عصب شناسی، علوم شناختی در حال پیشرفت است در راستای این جهت گیری معنوی به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت مطرح و توسعه پیدا کرده است [۲۰]. البته در زمینه هوش معنوی و رشد و تحول آن پژوهش های چندانی نشده است. این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و در اثر مواجهه با محیط های غنی رشد و تحول پیدا می کند. از نظر «یانگ» بیشتر افراد بعد از ۳۵ سالگی تغییراتی در ناخودآگاهشان صورت می گیرد که این تغییرات در هوش معنوی، در روند آن تاثیر دارد [۱۹].

¹ Chan Sachs

فرضیه‌های پژوهش

گرچه مطالعات پیشین به بررسی متغیرهای پژوهش پرداخته اند اما به ندرت به نقش این متغیرها در پیش بینی موفقیت تحصیلی پرداخته شده است. پژوهش حاضر در صدد این است که نقش باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی را در پیش بینی موفقیت تحصیلی تعیین کند. در این راستا، پنج فرضیه مورد بررسی قرار گرفت:

۱. بین باورهای معرفت‌شناختی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۲. بین هوش معنوی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۳. مولفه‌های هوش معنوی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی هستند.
۴. مولفه‌های باورهای معرفت‌شناختی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی هستند.
۵. مولفه‌های باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی هستند.

روش پژوهش

روش اجرای پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پایه یازدهم متوسطه شهرستان زرین شهر بودند. سال یازدهم به این دلیل انتخاب شد که انتظار می رود شکل گیری و رشد باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی در دانش‌آموزان سال‌های آخر دوره متوسطه نسبت به سایر پایه‌ها، کامل تر باشد. تعداد کل جامعه «۵۸۸ نفر» بود که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۳۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، که در نهایت تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد (از این میان، ۲۳۸ پرسش‌نامه را تکمیل و عودت دادند). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون کالموکروف-اسمیرنف، ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

ابزار گردآوری داده: از دو ابزار ذیل استفاده شده است:

الف) پرسش‌نامه باورهای معرفت‌شناختی (شومر ۱۹۹۰): این پرسش‌نامه شامل ۶۳ گویه و ۵ مؤلفه شامل ساده بودن دانش، قطعیت دانش، منبع دانش، توانایی ذاتی در یادگیری و یادگیری سریع است. پایایی این ابزار توسط شومر نشان داده شد که همسانی درونی سوالات هر عامل در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ قرار داشت. همچنین پایایی با روش

بازآزمایی، ۰/۷۴ بدست آمده است. به علاوه، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۱ قرار داشت [۲۶]. در پژوهش حاضر نیز، روایی صوری و محتوایی از سوی نظرات ۶ نفر از استادان علوم تربیتی دانشگاه یزد حاصل شد. همچنین پایایی از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ بدست آمد.

ب) پرسش‌نامه «هوش معنوی» (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۸۷): این پرسش‌نامه دارای ۲۰ گویه و ۲ مؤلفه شامل درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با هسته درونی است [۲۷]. همچنین از روش لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر، روایی این ابزار از سوی نظرات ۶ نفر از استادان علوم تربیتی دانشگاه یزد تایید شد و پایایی آن، از طریق آلفای کرونباخ، عدد ۰/۸۶ بدست آمد.

یافته‌ها

قبل از ارائه یافته‌های پژوهشی، به ارائه ویژگی‌های توصیفی گروه نمونه پرداخته می‌شود:

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناسی نمونه پژوهش

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۱۱۴	۴۷/۹
دختر	۱۲۴	۵۲/۱
جمع	۲۳۸	۱۰۰

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
ریاضی	۷۸	۳۲/۸
علوم تجربی	۷۹	۳۳/۲
علوم انسانی	۸۱	۳۴/۰
جمع	۲۳۸	۱۰۰

بر اساس جدول ۱، گروه‌های «دختران» و «رشته علوم انسانی» بیشترین شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر را تشکیل دادند. همچنین با توجه به جدول ۲، در میان متغیرهای پژوهش، بالاترین میانگین مربوط به «زندگی معنوی» و بالاترین انحراف معیار متعلق به «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» است.

بر اساس نتایج جدول ۲ دامنه نمرات ساده بودن دانش بین ۲۲ تا ۵۲، قطعیت دانش بین ۳۰ تا ۵۶، منبع دانش بین ۳۴ تا ۶۹، توانایی ذاتی در یادگیری بین ۲۴ تا ۴۵، یادگیری سریع بین ۲۴ تا ۴۴، درک و ارتباط با سرچشمه هستی بین ۱۲ تا ۶۰، زندگی معنوی با هسته درونی بین ۲۶ تا ۸۲ و معدل دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۹ در نوسان بوده است.

جدول ۲. توزیع کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	
۴/۷۳	۳۶/۱۶	۵۲	۲۲	ساده بودن دانش
۴/۹۷	۴۲/۷۱	۵۶	۳۰	قطعیت دانش
۶/۴۰	۵۳/۹۳	۶۹	۳۴	مبغ دانش
۳/۴۷	۳۶/۵۷	۴۵	۲۴	توانائی ذاتی در یادگیری
۴/۱۸	۳۳/۹۴	۴۴	۲۴	یادگیری سریع
۱۰/۲۵	۴۴/۳۶	۶۰	۱۲	درک و ارتباط با سرچشمه هستی
۹/۸۹	۶۰/۸۲	۸۲	۲۶	زندگی معنوی با هسته دورنی
۲/۰۸	۱۴/۵۸	۱۹	۱۲	معدل

جدول ۳. مقایسه توزیع نمرات باورهای معرفت‌شناختی با توزیع نرمال

P	k-s-z	
/۰۶۳	۱/۳۱	ساده بودن دانش
/۱۹۷	۱/۰۷	قطعیت دانش
/۱۶۸	۱/۰۹	مبغ دانش
/۳۳۵	/۹۴۴	توانائی ذاتی در یادگیری
/۶۲۰	۱/۲۲	یادگیری سریع

براساس نتایج جدول ۵ ضریب همبستگی بین باورهای معرفت‌شناختی با موفقیت تحصیلی (معدل) در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار بوده. بنابراین بین باورهای معرفت‌شناختی با موفقیت تحصیلی (معدل) رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۲. بین هوش معنوی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

براساس نتایج جدول ۳ آماره $k-s-z$ در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار نبوده. بنابراین توزیع نمرات باورهای معرفت‌شناختی نرمال می باشد.

جدول ۶. ضریب همبستگی بین هوش معنوی با معدل

معدل		
P	r	
/۰۰۲	/۲۰۶	درک و ارتباط با سرچشمه هستی
/۰۱۲	/۱۶۲	زندگی معنوی با هسته دورنی

براساس نتایج جدول ۶ ضریب همبستگی بین درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با هسته دورنی با موفقیت تحصیلی (معدل) در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار بوده. بنابراین بین درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با هسته با موفقیت تحصیلی (معدل) رابطه معنی دار وجود دارد

فرضیه ۳: مولفه های هوش معنوی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی هستند.

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می شود در گام اول درک و ارتباط با سرچشمه هستی بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته (موفقیت تحصیلی) وارد معادله رگرسیون شده و 0.39 از واریانس معدل را تبیین می کند که با توجه به F مشاهده شده ($10/50$) این واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول در سطح 0.1 معنی دار است.

جدول ۴. مقایسه توزیع نمرات هوش معنوی و معدل با توزیع نرمال

P	k-s-z	
/۲۶۰	۱/۰۱	درک و ارتباط با سرچشمه هستی
/۲۴۱	۱/۰۲	زندگی معنوی با هسته دورنی
/۶۸۳	/۷۱۴	معدل

براساس نتایج جدول ۴ آماره $k-s-z$ در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار نبوده. بنابراین توزیع نمرات هوش معنوی و معدل نرمال می باشد.

فرضیه ۱. بین باورهای معرفت‌شناختی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین باورهای معرفت‌شناختی با معدل

معدل		
P	r	
/۰۰۱	/۲۴۰	ساده بودن دانش
/۰۰۱	/۳۲۳	قطعیت دانش
/۰۰۶	/۱۶۷	مبغ دانش
/۰۱۰	/۲۲۱	توانائی ذاتی در یادگیری
/۰۰۸	/۲۱۹	یادگیری سریع

جدول ۷. ضریب همبستگی چند گانه بین هوش معنوی با موفقیت تحصیلی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	ضریب تغییرات f	سطح معنی داری	ضریب تغییرات R
۱	/۲۰۶	/۰۴۳	/۰۳۹	۱۰/۵۰	/۰۰۱	/۰۴۳

جدول ۸. رگرسیون چند گانه (گام به گام) پیش بینی موفقیت تحصیلی (معدل) براساس هوش معنوی

P	t	ضرایب غیر استاندارد		ضریب ثابت
		Beta	B	
۰/۰۱	۲۲/۵۷		۰/۵۵۰	۱۲/۴۱
۰/۰۱	۳/۲۴	۰/۲۰۶	۰/۰۱۲	۰/۴۰

(معدل) ۰/۲۰۶ واحد افزایش می یابد.
فرضیه ۴: مولفه های باورهای معرفت‌شناختی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی هستند.

براساس نتایج جدول ۸ بهترین پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی، درک و ارتباط با سرچشمه هستی بوده است. براساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در درک و ارتباط با سرچشمه هستی میزان موفقیت تحصیلی

جدول ۹. ضریب همبستگی چند گانه بین باورهای معرفت‌شناختی با موفقیت تحصیلی (معدل)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	ضریب تغییرات f	سطح معنی داری	ضریب تغییرات R
۱	۰/۳۲۳	۰/۱۰۴	۰/۱۰۰	۲۷/۴۲	۰/۰۱	۰/۱۰۴
۲	۰/۳۸۲	۰/۱۴۶	۰/۱۳۹	۱۱/۵۴	۰/۰۱	۰/۰۴۲
۳	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۷۳	۱۰/۸۵	۰/۰۱	۰/۰۳۸

تحصیلی را تبیین کرده اند که با توجه به F مشاهده شده (۱۱/۵۴) این میزان واریانس تبیین شده ودر نتیجه مدل تحلیل رگرسیون در گام دوم معنی دار است.
در گام سوم توانائی ذاتی در یادگیری به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی با موفقیت تحصیلی وارد معادله رگرسیون شده و به همراه قطعیت دانش و ساده بوده دانش، مجموعاً ۰/۱۷۳ واریانس ارزش های اخلاقی را تبیین کرده اند که با توجه به F مشاهده شده (۱۰/۵۸) این میزان واریانس تبیین شده ودر نتیجه مدل تحلیل رگرسیون در گام سوم معنی دار است.

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود در گام اول قطعیت دانش بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته (موفقیت تحصیلی) وارد معادله رگرسیون شده و ۰/۱۰۰ از واریانس معدل را تبیین می کند که با توجه به F مشاهده شده (۳۷/۴۲) این واریانس تبیین شده ودر نتیجه مدل رگرسیون در گام اول در سطح ۰/۱ معنی دار است.
در گام دوم ساده بودن دانش بالاترین ضریب همبستگی با موفقیت تحصیلی وارد معادله رگرسیون شده و به همراه قطعیت دانش، مجموعاً ۰/۱۳۹ واریانس موفقیت

جدول ۱۰. رگرسیون چند گانه (گام به گام) پیش بینی موفقیت تحصیلی با باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی

P	t	ضرایب غیر استاندارد		ضریب ثابت
		Beta	B	
۰/۰۱	۷/۹۹		۰/۰۷	۸/۵۷
۰/۰۱	۵/۲۳	۰/۳۲۳	۰/۰۲۵	۰/۱۳۲
۰/۰۱	۴/۲۴		۰/۳۴	۵/۷۱
۰/۰۱	۴/۹۳	۰/۲۹۹	۰/۰۲۵	۰/۱۲۲
۰/۰۱	۳/۳۹	۰/۲۰۶	۰/۰۲۷	۰/۰۹۱
۰/۱۸۰	۱/۳۴		۰/۱۶۸	۲/۲۶
۰/۰۱	۳/۵۷	۰/۲۲۶	۰/۰۲۶	۰/۰۹۳
۰/۰۱	۳/۳۸	۰/۲۰۱	۰/۰۲۶	۰/۰۸۹
۰/۰۱	۳/۲۹	۰/۲۰۸	۰/۰۴	۰/۱۳۱

جدول ۱۱. ضریب همبستگی چند گانه بین باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی با موفقیت تحصیلی (معدل)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	ضریب تغییرات f	سطح معنی داری	ضریب تغییرات R
۱	۰/۳۲۳	۰/۱۰۴	۰/۱۰۰	۲۷/۴۲	۰/۰۱	۰/۱۰۴
۲	۰/۳۸۲	۰/۱۴۶	۰/۱۳۹	۱۱/۵۴	۰/۰۱	۰/۰۴۲
۳	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۷۳	۱۰/۸۵	۰/۰۱	۰/۰۳۸

براساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در قطعیت دانش میزان موفقیت تحصیلی (معدل) ۰/۲۲۶ واحد افزایش و ازای یک واحد افزایش در ساده بودن دانش میزان

براساس نتایج جدول ۱۰ بهترین پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی، قطعیت دانش، ساده بودن دانش و توانائی ذاتی در یادگیری بوده است.

بالاترین رتبه را برای پیش‌بینی موفقیت تحصیلی داراست و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. همچنین نتایج نشان داد بین باورهای معرفت‌شناختی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد. می‌توان گفت در گام اول قطعیت دانش قرار دارد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است و در گام دوم ساده بودن دانش و در گام سوم توانایی ذاتی در یادگیری، که موفقیت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش [۹] همسو است، از لحاظ توانایی ذاتی در یادگیری، به لحاظ اینکه دانش‌آموزانی که در برخی باورهای معرفت‌شناختی مانند ذاتی بودن توانایی و سریع بودن یادگیری باور رشد یافته‌تری دارند خود کارآمدی تحصیلی بالاتری را تجربه می‌کنند و برعکس آنهایی که باورهای خام دارند خودکار آمدی شان پایین‌تر است. همچنین از لحاظ دانش ساده و قطعیت دانش با [۱۱]، همسو است از لحاظ اینکه متغیر دانش ساده / قطعی به طور معنی‌دار موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند. یعنی دانش‌آموزانی که باور قوی به دانش ساده/ قطعی و یادگیری سریع هستند افت تحصیلی کمتری دارند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با پژوهش [۲۱] همسو بود که نشان دادند باورهای معرفت‌شناختی بر رویکرد یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند اثر بگذارد. دانش‌آموزانی که دانش را ساده می‌دانستند، فهم آغاز متون علمی، نظارت بر درک، و استفاده از راهبردهای پیچیده مطالعه در آنها کمتر می‌شود و آنهایی که دیدگاه پیچیده‌تری دارند با مطالب یادگیری، درگیری عمیق‌تری پیدا می‌کنند. همچنین در پژوهش دیگری، [۲۸] نشان داده شد که بین باورهای دانش‌آموزان راجع به ساده بودن و مطلق بودن دانش، ذاتی بودن توانایی و سریع بودن فرایند یادگیری، تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت باورهای معرفت‌شناختی دانش‌آموزان در طول تحصیلات مقطع دبیرستان از ساده به پیچیده تغییر می‌کند. یعنی هر چه دانش‌آموزان هر چه به سطوح بالاتر می‌رسند به این اعتقاد می‌رسند که دانش پیچیده، آزمایشی، موقتی، غیر قطعی می‌باشد و در طول زمان تغییر می‌کند و ثابت نبوده. در واقع می‌توان گفت که نتایج این پژوهش با یافته‌های محمودی‌اصل [۲۹] و طلایی [۳۰] نیز در قطعی بودن دانش و توانایی ذاتی در یادگیری با موفقیت تحصیلی همسو است.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت با توجه به اینکه باورهای معرفت‌شناختی در طول سال‌های آموزش‌های مدرسه‌ای، به ویژه در دوره تحصیلی متوسطه، رشد و توسعه می‌یابد، این باورها تعیین‌کننده هدف، روش و چگونگی پیشرفت دانش‌آموز در دوران تحصیل

موفقیت تحصیلی به ۲۰۱ / واحد افزایش می‌یابد. و به ازای یک واحد افزایش در توانایی ذاتی در یادگیری میزان موفقیت تحصیلی (معدل) ۲۰۸ / واحد افزایش می‌یابد.

فرضیه ۵: مولفه‌های باورهای معرفت‌شناختی و هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی هستند.

همانطور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود در گام اول قطعیت دانش بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته (موفقیت تحصیلی) وارد معادله رگرسیون شده و ۱۰۰ / از واریانس موفقیت تحصیلی را تبیین می‌کند که با توجه به F مشاهده شده (۲۷/۴۲)، این واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول در سطح ۰/۱ معنی‌دار است.

در گام دوم ساده بودن دانش بالاترین ضریب همبستگی با موفقیت تحصیلی وارد معادله رگرسیون شده و به همراه قطعیت دانش، مجموعاً ۱۳۹ / واریانس موفقیت تحصیلی را تبیین کرده‌اند که با توجه به F مشاهده شده (۱۱/۵۴) این میزان واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل تحلیل رگرسیون در گام دوم معنی‌دار است.

در گام سوم ساده بودن توانایی ذاتی در یادگیری دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی با موفقیت تحصیلی وارد معادله رگرسیون شده و به همراه قطعیت دانش و ساده بودن دانش، مجموعاً ۱۷۳ / واریانس ارزش‌های اخلاقی را تبیین کرده‌اند که با توجه به F مشاهده شده (۱۰/۸۵) این میزان واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل تحلیل رگرسیون در گام سوم معنی‌دار است.

براساس نتایج، بهترین پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی، قطعیت دانش، ساده بودن دانش و توانایی ذاتی در یادگیری بوده است. براساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در قطعیت دانش میزان موفقیت تحصیلی ۲۲۶ / واحد افزایش و ازای یک واحد افزایش در ساده بودن دانش، میزان موفقیت تحصیلی به ۲۰۱ / واحد افزایش می‌یابد. و به ازای یک واحد افزایش در توانایی ذاتی در یادگیری میزان موفقیت تحصیلی (معدل) ۲۰۸ / واحد افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده مولفه‌های هوش معنوی و باورهای معرفت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی بودند. از بین دو مولفه هوش معنوی، بهترین پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی مولفه «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» بوده است. براساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در درک و ارتباط با سرچشمه هستی

- معلمان برای اهمیت دادن به تلاش و کوشش دانش‌آموزان که ضعیف‌تر بوده و تشویق کردن آنها به تلاش بیشتر، بهتر است بیان کنند که یادگیری به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد و نیاز به تلاش و کوشش دارد.

- از آنجا که رشد و بالندگی باورهای معرفت‌شناختی در مدرسه انجام می‌شود و دانش امری است که در حال تغییر و تحول است بهتر است نظام تعلیم و تربیت برای آموزش از نیروهای جدید و متخصص استفاده کرده و برای آنها دوره‌های آموزشی را در نظر بگیرند.

- در پژوهش‌های آتی هوش معنوی را مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار داده و در گروه‌های سنی مختلف مقایسه شود.

پیشنهاد می‌شود این پژوهش در مقاطع تحصیلی دیگر (ابتدایی، راهنمایی، دانشگاه) و رشته‌های تحصیلی دیگر (فنی و حرفه‌ای، کارودانش) اجرا شود.

منابع

۱- یداللهی، آریتا. میرزازاده، عظیم. نئی، لادن. (۱۳۹۳). پیش‌بینی موفقیت تحصیلی براساس هوش هیجانی و مولفه‌های جمعیت‌شناختی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، شماره ۱۱۸.

۲- یداللهی، آریتا. نئی، لادن. سلطانی، اکبر. (۱۳۹۲). پیش‌بینی موفقیت تحصیلی براساس تفکر و مولفه‌های جمعیت‌شناختی، مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره ۶، شماره ۱۱، صص: ۷۲-۸۰.

3- Hofer, B.K. (2002). Dimensionality and disciplinary differences in personal epistemology. *Contemporary Educational Psychology*, 25(4), pp. 378-405.

4- Hofer, B. K. (2004). Exploring the dimensions of personal epistemology in differing classroom contexts, *Educational Psychology*, 29, pp.129-163.

۵- سیف، دیبا. رضویه، اصغر. لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۵). رابطه باورهای معرفت‌شناختی و انگیزش دانش‌آموزان تیزهوش درباره فرایند یادگیری و دانش ریاضی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و هفتم، شماره ۱، صص: ۹-۱.

۶- شهبانی ورکی، بختیار. حسین قلی‌زاده، رضوان. (۱۳۸۶). تحول باورهای معرفت‌شناختی دانشجویان، ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، سال چهاردهم- دوره جدید، شماره ۲۴.

است. البته که نوجوانان دانش‌آموز بیشتر آگاهی‌های خود را از محیط آموزشی و نیز گروه همسالان کسب می‌کنند [۳۱]. به نظر می‌رسد با رشد مثبت باورهای معرفت‌شناختی و همچنین ابعاد هوش معنوی در نوجوانان، می‌توان انتظار داشت که زمینه انگیزه و علاقه فرد به کسب موفقیت بر اساس استحکام فکری، آرامش، نظم و پشتکار بیشتر شده و این عوامل زمینه‌ای را برای موفقیت در زندگی، از جمله موفقیت تحصیلی به همراه می‌آورد.

بر این اساس، متخصصان و برنامه‌ریزان باید محتوای کتب درسی و ارزشیابی‌ها را به نحوی طراحی کنند تا دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خودشان تصور مثبت پیدا کنند و برای شکوفا کردن این توانایی‌ها، حداکثر تلاش را انجام دهند. این امر در صورتی امکان‌پذیر است که متخصصان برنامه‌ریز کتب درسی را با توجه به توانایی‌ها و نیازها و علایق دانش‌آموزان تهیه نمایند. مجربان این برنامه‌ها که معلمین و دبیران هستند سعی کنند با توجه به ساده بودن دانش و توانایی ذاتی در یادگیری، که باعث موفقیت تحصیلی می‌شود، دانش‌آموزان را از همان ابتدا از حوزه درسی خود نهراسند و در آغاز آموزش آنان را تشویق به درس خواندن و ساده بودن کسب علم و دانش کنند، تا دانش‌آموزان بتوانند پیشرفت مناسبی در زمینه‌های تحصیلی بدست آورند. در مجموع، براساس نتایج، پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:

- بهتر است با توجه به تاثیر قطعیت دانش، ساده بودن دانش، توانایی ذاتی در یادگیری، در مدارس دبیران و معلمان تغییراتی را در روش‌های آموزشی در جهت ارتقای باورهای معرفت‌شناختی دانش‌آموزان ایجاد کنند. همچنین متخصصان برنامه‌ریز با توجه به مولفه‌های ساده بودن دانش، سازمان‌دهی دانش را از مطالب ساده به دشوار انجام داده تا دانش‌آموزان بتوانند یک سازمان‌دهی را در ذهن خود از مطالب ایجاد کنند و معلمین با توجه به این سازمان‌دهی که در ذهن دانش‌آموزان ایجاد شده، آموزش خود را تسریع کنند.

- معلمان در کلاس درس تغییراتی را ایجاد کرده و دانش‌آموزان را از حالت غیرفعال به فعال تبدیل کرده و شرایطی را ایجاد کرده تا خود دانش‌آموزان به آموزش و تدریس پرداختند تا از این طریق متوجه شوند که دانش امری است که در طول زمان تغییر می‌کند.

- 18- Zohar, D. & Marshall, I. (2000). *SQ: Connecting without spiritual intelligence*. Network: Bloomsbury, Publishing House.
- 19- Nasel, D.D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/ individualistic spirituality*. Doctoral Dissertation, university South Australia: Australia.
- ۲۰- حمیدی، فرید. صداقت، حسین. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ی هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه براساس جنسیت و پایه تحصیلی، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۴، ۸۸-۷۵.
- 21- Chan, C.K.K, & Sachs, J. (2001). Beliefs about learning in children's understanding of science texts, *Contemporary Educational Psychology*, 26 (2), pp.192-210.
- 22- Tzung-Jin Lin & Feng Deng (2013). High school students' scientific epistemological beliefs, motivation in Learning science, and their relationship: A comparative study within the Chinese culture. *International Journal of Educational Development*. 33, pp.37-47.
- 23- Azar Pakdaman Savoji, Beheshteh Niusha, Leila Boreiri (2013). Relationship between epistemological beliefs, self-regulated learning strategies and academic achievement. *Procedia. Social Behavioral Sciences*, 84, pp.1160-1165.
- ۲۴- عاشوری، جمال. آزادمرد، شهنام. جلیل آبکنار، سید سمیه. معینی کیا، مهدی. (۱۳۹۲). پیش‌بینی موفقیت تحصیلی براساس راهبردهای شناختی و فراشناختی، جهت‌گیری هدف‌های پیشرفت و هوش معنوی در درس زیست‌شناسی، *مجله روان‌شناسی مدرسه*، شماره ۴، صص. ۱۱۸-۱۳۶.
- ۲۵- سیف، دیبا. مرزوقی، رحمت‌اله. (۱۳۸۷). رابطه ابعاد باورهای معرفت‌شناختی و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در درس علوم تجربی، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شماره ۳۳.
- ۲۶- رضایی، (۱۳۸۸). بررسی اعتبار و روایی پرسش‌نامه باورهای معرفت‌شناختی، گزارش پژوهشی دانشگاه پیام‌نور استان آذربایجان شرقی.
- ۲۷- عبدالله‌زاده، حسن و همکاران. (۱۳۸۷). پرسشنامه هوش معنوی. انتشارات روانسنجی، ۷۹.
- ۸- زارع، حسین رستگار، احمد. (۱۳۹۱). رابطه باورهای معرفت‌شناختی و فرایندهای شناختی بررسی نقش واسطه‌ای اهداف پیشرفت، *مجله روان‌شناسی*، سال شانزدهم، شماره ۴.
- ۸- برزگر، کاظم. (۱۳۹۳). روند تحول باورهای معرفت‌شناختی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان و رابطه آن با عملکرد تحصیلی، *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره ششم، سال ۲۱، شماره ۱، صص. ۱۵۰-۳۵.
- ۹- معنوی‌پور، داود. حسنی، فریبا. رفیعی، پروانه. (۱۳۹۱). رابطه باورهای معرفت‌شناختی و خودکارآمدی تحصیلی با رویکردهای یادگیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. *فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی*، دوره ۵، شماره ۱۷، صص. ۲۹ - ۳۹.
- 10-Shommer, M. (1998). The influence of age and school ingot epistemological beliefs. *The British Journal of Educational Psychology*. 68.
- ۱۱- رضایی، اکبر. خداخواه، شبنم. (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه، *مجله علوم تربیتی*، سال دوم، شماره ۵، صص. ۱۱۷ - ۱۳۴.
- ۱۲- رئیسی، مرضیه. احمدی طهران، هدی. حیدری، سعیده. جعفری‌گللو، عصمت. عابدینی، زهرا. بطحایی، سید احمد. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، *مجله آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳ (۵)، صص. ۴۳۱ - ۴۴۰.
- ۱۳- رجایی، علی‌رضا. (۱۳۸۹). هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها، پژوهش‌نامه تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره بیست و دوم.
- ۱۴- محمدی، حسین. بحرینیان، عبدالمجید. مرتضوی، محمدمبین. موسوی، سید محمدرضا. اشرف‌نژاد، ژاله. (۱۳۹۳). بررسی اثر آموزشی هوش معنوی بر سلامت روان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه *مجله پژوهشی در دین و سلامت*، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۲۸ تا ۳۹.
- 15- Emmons, R. A. (2000). Are spirituality intelligence, Motivation, Cognition, and the psychology of ultimate concern? *The International Journal for the psychology of Religion*, 10(1) 3-26.
- 16- Vaughan, F. (2003). What is spiritual Intelligence? *Journal of Humanistic psychology*, Vol. 42, no (2).
- 17- Zohor.D. & Marsholl, I. (2000). *SQ. Spiritual intelligence: the ultimate intelligence Network: USA: Bloomsbury*.

28- Schommer-Aikins, M. (2004). Explaining the epistemological beliefs stem: Introducing embedded systemic model and coordinate research approach Educational Psychologist, 39(1), pp.19-29.

۲۹- محمودی اصل، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان سال دوم متوسطه شهرستان میان‌دوآب پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.

۳۰- طلائی، خداکرم. (۱۳۷۹). روابط باورهای معرفت‌شناختی خودگردانی در یادگیری و موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان سوم نظام جدید شهر تبریز ۷۸-۷۹، دانشگاه تربیت معلم دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی گروه روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۳۱- کیان، مریم. (۱۳۹۴). تحلیل برنامه درسی مغفول در دوره تحصیلی متوسطه، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره ۶، صص. ۱۰۱ - ۱۲۰.